

نقد و بررسی

تعامل فریقین با روایات فضایل سُور

بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن*

- سیدعلی دلبری^۱
- البرز محقق گرفمی^۲

چکیده

یکی از قواعد پربسامد در عرصه‌های گوناگون فقه استدلالی فریقین، قاعده‌ای است که در میان شیعه با نام «تسامح در ادله سنن»، و در عامه به «تساهل در اسانید» شهره است. باورمندان به کاریست عام این قاعده، آن را به دلایلی چون اجماع، شهرت عملی، حکم عقل و دسته‌ای از روایات با نام «اخبار من بَلغ» استوار کرده‌اند. فهم اخبار پیش گفته و گستره کاریست این قاعده، سبب کشاکش نظرات دانشوران شده است. یکی از حوزه‌های کاریست قاعده تسامح، روایات دربردارنده فضایل سوره‌های قرآن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - اکتشافی و بهره از منابع کتابخانه‌ای، به تبیین گونه‌های مواجهه با این اخبار بر اساس قاعده تسامح پرداخته و در پی یافتن رهیافتی متناسب درباره اخبار

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)
(delbari@razavi.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (mohaghegh.gr@gmail.com).

فضایل سُور است. در رویکرد برگزیده، تعامل با این اخبار بر اساس قرائتی ویژه از قاعده تسامح سامان یافته که بی‌رنگ آن بر تقریری عقلانی از مفاد اخبارِ مَنْ بَلَّغ استوار بوده و با دلالات برخی آیات و روایات نیز سازگار است. بر اساس این رهیافت، بهره‌برداری از اخبار ضعیفِ دربردارنده فضایل سُور، با در نظر داشتن سه شرط و نیز باور نداشتن به عدم انتساب این اخبار به شرع روا خواهد بود.

واژگان کلیدی: حدیث، فضایل سُور، قاعده تسامح، سند، اعتبارسنجی.

۱. مقدمه

در جوامع حدیثی فریقین، شمار قابل توجهی از اخبار، بیانگر آداب و کنش‌های ویژه‌ای در شئون مختلف زندگی مانند آداب عبادات مندوبه، فضیلت قرائت سوره‌های قرآن، اذکار و اوراد مخصوص، ذکر مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، آموزه‌های اخلاقی و کنش‌های طبیعی چون خوابیدن، حجامت، اعمال پس از تولد نوزاد، استحمام کردن، مباشرت با همسر، نامه‌نگاری، گفتگو و اموری از این دست هستند. موضوع این سلسله از روایات، امور خُرد و کلان در زمینه‌های فردی، اجتماعی و حتی عبادی است. در میان این روایات، اخبار ضعیف‌السند نیز به فزونی یافت می‌شوند.

اصولیان و محدثان با پی‌ریزی مبانی پذیرش اخبار آحاد و شرایط حجیت آن‌ها، جستارهای سندی در روایات را ضابطه‌مند نموده‌اند. با این همه، واکاوی‌های سندی همیشه آخرین داور برای فهم اعتبار یک حدیث نیست. برای نمونه، علو مضمون برخی ادعیه ضعیف‌السند مانند مناجات الهیات امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مانع بهره‌برداری از مطالب آن‌ها نیست (مرزبانی، ۱۳۷۸: ۲۸). در میان قواعد کاربردی اعتبارسنجی حدیث، قاعده‌ای با نام «تسامح در ادله سنن» در پی آسان‌گیری در پذیرش اخباری است که تبیین‌گر مواردی غیر از احکام الزامی و عقاید بوده، ولی از نظر سندی ضعیف شمرده می‌شوند.

از دیگر سو بسیاری از مجامع حدیثی فریقین، بخشی را به گزارش اخبار مربوط به فضایل قرآن اختصاص داده‌اند. نمونه‌هایی از این موارد را در *محاسن*، *ثواب الاعمال* و *عقاب الاعمال*، *الکافی*، *بحار الانوار*، *الموطأ*، *صحیح بخاری*، *سنن دارمی* و *سنن ترمذی* می‌توان جست. نگاه‌های قرون اولیه با نام «فضائل القرآن» از افرادی چون قاسم بن

سلام (۲۲۴ م.)، ابوجعفر فریابی (۳۰۱ م.) و احمد نسائی (۳۰۳ م.) در همین رده قابل ارزیابی هستند. برخی از آن‌ها مانند نگاشته ابن ضریس (۲۹۴ م.)، در بردارنده ۱۴ موضوع مرتبط با علوم قرآن نیز هستند. در دوره‌های بعدی، نگاشته‌های فراوان دیگری با عناوینی چون «خواص القرآن»، «خواص السور»، «منافع القرآن»، «ثواب القرآن» و «فضائل السور» به نگارش درآمدند (ر.ک: آقابزرگ طهرانی، بی‌تا: ۲۱/۸). برخی کتب مانند *شفاء الابدان المرضی فی سرّ القرآن الشریف و الاسماء الحسنی من شروح الدر المنظیم و همچنین شفاء الظمان بسرّ قلب القرآن*، به گونه‌ای ویژه به بیان خواص آیات در درمان بیماری‌ها نیز پرداختند. این روایات به مناسبت‌های گوناگون، به کتب علوم قرآنی و تفسیر و ادعیه هم راه یافت. روایات مربوط به شفا بخشی قرآن بر آلام و رنج‌ها نیز در این رده قابل ارزیابی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۶/۸۹).

کتاب *جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمة الاطهار علیهم السلام* نوشته محمدباقر ابطحی، به نقل اخبار فضایل سوره در میان فریقین پرداخته است. برخی مفسران نیز به مناسبت ورود به هر سوره‌ای، روایات مربوط به فضایل را نقل کرده‌اند؛ برای نمونه، ثعلبی با تقطیع روایت طولانی نوح بن ابی مریم درباره فضایل هر سوره، در ابتدای ده سوره، از فضایل آن‌ها یاد کرده است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۱۱۱/۱، ۳۲۵/۷ و ۲۴۹/۸). دانشوران فراوان دیگری نیز به نگارش کتب مستقلی که روایات فضایل، خواص و ثواب قرآن را در بر داشته باشد، پرداخته‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: اقبال، ۱۳۸۵: ۲۲۲-۲۳۲). درهم آمیختگی اخبار ضعیف با سایر روایات، عده‌ای را بر آن داشت تا احادیث معتبر این حوزه را گردآوری کنند؛ برای نمونه، سیوطی به نگارش *خمائل الزهر فی فضائل السور* پرداخت و حسن شهیدی *الفرقان فی فضائل سور القرآن* را با همین هدف نگاشت. به نظر می‌رسد قرار داشتن روایات پیش گفته تحت اصول کلی موجود در شریعت، نویسندگان آن‌ها را به سمت عدم یادکرد و توجه کافی به سند روایات مذکور سوق داده است.

گستراندن دامنه قاعده تسامح به حوزه‌های حدیثی چون اخلاق، مواظب، مناقب اهل بیت علیهم السلام، تاریخ و اخبار عامه، نکته‌ای است که مبنای پرسش اصلی پژوهش حاضر یعنی جواز یا عدم جواز فراگیری قاعده پیش گفته در حوزه اخبار ضعیف رهنمون به فضایل سوره قرار گرفته است. برای این منظور، گونه‌های رویارویی با اخبار

ضعیف فضایل سُور، به روشی منطقی افزاز شده و به نقد کشیده شده‌اند. سؤال فرعی این است که آیا با استناد به قاعده تسامح در ادله سنن می‌توان اخبار ضعیف فضایل سُور را در هر شرایطی معیار عمل قرار داد؟

۲. پیشینه

از آنجا که بنیادی‌ترین محور رویکردهای مواجهه با اخبار فضایل سُور، فهم و برداشت از قاعده تسامح در ادله سنن است، شایسته می‌نماید که پژوهش‌های مرتبط با این قاعده نیز واکاوی شوند. قاعده تسامح در برخی کتب علوم حدیث پیرامون بحث از اخبار ضعیف مطرح شده و در نگاشته‌های اصولی، ذیل بحث احتیاط یا برائت مورد کاوش قرار گرفته است. برخی نیز به نگارش رساله‌های مستقلی در این باره پرداخته‌اند. رساله *التسامح فی ادلة السنن* شیخ انصاری و کتاب *قاعدة التسامح فی ادلة السنن؛ حقیقتها، ادلتها و تطبیقاتها* به قلم ناهده جلیل عبدالحسن الغالبی در این رده قرار می‌گیرد. نوشتارهای گوناگونی نیز این قاعده را از جهات مختلف کاویده‌اند. مقالات «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکار آمد» (کلانتری، ۱۳۸۹) و «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار» (همو، ۱۳۹۷)، به نقد نظرگاه دانشوران فریقین در بهره‌گیری از اخبار من بلغ برای اثبات حکم شرعی پرداخته و بر جنبه کلامی بودن این اخبار پای فشرده‌اند.

در حوزه موضوعی نیز کتاب *اخلاق اسلامی و کاربریست قاعده تسامح در ادله سنن* (اسلامی، ۱۳۹۰) و نوشتارهایی چون «تسامح فضایل نگاران در روایات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام)» (رحمان ستایش و طباطبایی حکیم، ۱۳۹۳)، «نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سنن به ارزیابی روایات اخلاقی» (همدانی، ۱۳۹۶) و «تسامح در سند روایات طبّی» (قربان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱)، به بررسی گسترش قاعده مذکور به حوزه‌های گوناگون روایی پرداخته‌اند. مقاله دوم با تبیین روی آورد امتنایی به اخبار من بلغ، تساهل در روایات اخلاقی را جایز نمی‌داند؛ گرچه نقد سندی و دلالتی این اخبار را به درازا کشانده و تنها حدود ده درصد از نوشتار را به بررسی تسامح در اخبار اخلاقی اختصاص داده است. مقاله سوم نیز از چالش‌های کاربریست قاعده تسامح در اخبار پزشکی به نیکی یاد کرده است. همچنین کتاب

حقیقت مستحبات (تسامح در ادله سنن با رویکردی به نظر امام خمینی) (خانی، ۱۳۹۸) و مقالات «قاعده تسامح در روش شناسی تفکر نقدی امام خمینی» (روحانی و خانی، ۱۳۹۷) و «تسامح در ادله سنن از دیدگاه آقا حسین خوانساری» (رضوی، ۱۳۷۸) به بررسی روش شناختی مواجهه برخی دانشوران با این قاعده پرداخته‌اند.

پیرامون واکاوی در روایات فضایل سُور نیز مقاله «چگونگی تعامل با روایات فضایل و خواص آیات و سُور» (نصیری، ۱۳۹۵) به بررسی سه عامل رعایت احتیاط در پذیرش، نقش مقدمی روایات برای رسیدن به ثواب و در نظر داشتن تناسب فضایل آیات با عنوان سوره‌ها پرداخته است. دو مقاله «اعتبارسنجی احادیث فضایل قرآن در کتاب المحاسن برقی با تکیه بر منابع حدیثی شیعه» (شمخی و دیگران، ۱۳۹۷) و «اعتبارسنجی روایات فضایل قرائت قرآن نزد شیعه» (بستانی و دیگران، ۱۳۹۷) نیز به گزارشی آماری از کتب دربردارنده اخبار فضایل قرآن مانده بوده و مجموعاً به بررسی ۱۱ روایت این موضوع پرداخته و در برخی تحلیل‌ها به منابع دست‌چشم رجوع کرده‌اند. مقاله «مؤلفه‌های ارزیابی روایات فضایل سوره‌های قرآن» (قمرزاده و اسبقی، ۱۳۹۸) نیز در نقد سندی با روشی نامناسب تنها به بررسی ناقل اولیه پرداخته و در فهم روایات دچار سلیقه‌گرایی و ادعاهای بدون دلیل شده است.

با این همه، موضوع گستراندن قاعده تسامح به عرصه روایات فضایل سُور، هنوز به درستی واکاوی نشده است. پژوهش‌های پیرامون قاعده تسامح، بیشینه توان خویش را در نقد و بررسی اصل قاعده به کار بسته و به کاربست‌ها، راهکارها، آسیب‌ها، چالش‌ها و رویکردهای بهره از قاعده مذکور در موضوعات غیر فقهی به گونه معناداری پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با درک این کاستی، به روش توصیفی - اکتشافی در پی ارزیابی انگاره سهل‌گیری در بررسی اعتبار اخبار فضایل سُور است.

۳. مفاهیم بنیادین

۳-۱. روایات فضایل سُور

روایات فضایل سُور، بخشی از اخبار هستند که پیرامون ویژگی‌ها و دستاوردهای

مادی، معنوی، دنیوی و اخروی مترتب بر قرائت، نگارش و همراه داشتن متن برخی آیات و سوره‌ها سخن می‌گویند. این اخبار در سپهر سندی به دو رده اخبار معتبر و ضعیف تقسیم می‌شوند. موضوعات مندرج در این اخبار به دو دسته بیان ثواب‌های دنیوی و اخروی افزای می‌گردند. بنا بر وجهی دیگر، این اخبار بیانگر آثار مادی یا معنوی عمل به مفاد خود هستند. برخی از این موارد عبارت‌اند از: ثواب حفظ سوره‌ها، ثواب قرائت برخی آیات، درمانگری با برخی آیات، رسیدن به خواسته‌های دنیایی، ثواب بهشتی، ایمنی از بلایا و آسیب‌های دنیوی، و نیز بالندگی مؤلفه‌های معرفتی و اخلاقی مانند ایمان و رفع نفاق (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۲۳/۴؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۰۴-۱۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۷۵۲/۱؛ مقدسی حنبلی، ۱۴۲۱: ۹۵).

روایات مربوط به تبیین ویژگی‌های قرآن از رهاوردهایی چون هدایت‌یابی، آشکار کردن خطرات فتنه‌ها، وسوسه‌زدایی و آرامش‌آفرینی (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۵۹۹/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۸۹) یاد می‌کنند که می‌توان همه را ذیل مفهوم کلی برکت قرار داد. همان‌گونه که علی‌علیه‌السلام به این نکته چنین اشاره فرموده است:

«خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و از خدا یاد گردد، برکتش فزونی می‌یابد» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۶۶/۴).

۳-۲. قاعده تسامح

یکی از انگاره‌های نظری چالش‌انگیز در دانش‌های اسلامی مرتبط با احادیث، قاعده‌ای است که با نام «تسامح در ادله سنن» نام‌بردار است. بر اساس برداشت مشهور از مفاد این قاعده، ضعف سند اخبار دربردارنده آموزه‌های غیر الزامی، موجب حکم به بی‌اعتباری متن این اخبار نیست (غروی نائینی، ۱۳۵۲: ۴۱۲/۲؛ آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۱۸/۴). بر این اساس، دریافت‌کننده پیام این اخبار ضعیف، مجاز به عمل بر اساس مدلول آن‌ها بوده و برای عملش ثواب دریافت می‌کند؛ هرچند که مدلول خبر، مطابق با واقع نباشد. بسیاری از فقها در ابواب مختلف فقهی، فتاوی خود را بر همین قاعده استوار ساخته‌اند (حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۲۴/۳؛ نجفی، بی‌تا: ۷۰/۳، ۳۱۵/۷، ۳۷۶ و ۴۲/۲۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۳۶: ۲۱۶/۳؛ عبداللطیف، ۱۴۲۳: ۵۴۳/۲). برخی دانشوران، این قاعده را اصولی دانسته (انصاری،

۱۴۱۴: ۱۴۶؛ آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۲۳/۴)، برخی آن را فقهی شمرده و عده‌ای به جنبه کلامی آن باور دارند (حسینی روحانی، ۱۴۱۳: ۳۹/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۷۷/۳؛ کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۰۹).
 عامه نیز با گشودن بابی با عنوان «النفل أوسع من الفرض» بر این باورند که شارع مقدس به علت امکان بیشتر اطاعت از پروردگار در مستحبات، سهل‌گیری نموده است (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۵۴؛ عبداللطیف، ۱۴۲۳: ۵۴۴/۲). مبانی قاعده تسامح با عناوینی چون «التساهل فی الأسانید» در مباحث احکام حدیث مقلوب و عمل به حدیث ضعیف در کتب عامه یاد شده است (تقی‌الدین ابن‌الصلاح، ۱۴۰۶: ۱۰۳؛ زرکشی، ۱۴۱۹: ۳۰۸/۲).
 باورمندان به کلیت این قاعده، آن را بر دلایل زیر استوار نموده‌اند: ۱- خانواده‌ای از اخبار مشهور به «اخبار من بلغ»؛ ۲- اجماع؛ ۳- عمل مشهور؛ ۴- نیکو بودن احتیاط؛ و ۵- حکم عقل (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۳۸-۱۴۲؛ حسینی روحانی، ۱۴۳۲: ۳۵۹/۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۳۶: ۱۷۲/۳ و ۱۸۱؛ آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۲۲/۴).

با این همه، دو حوزه ماهیت حکم فقهی مستفاد از این اخبار و موضوع محوری آن‌ها، محل کشاکش آرا گردیده است. عده‌ای بهره از این قاعده را تنها در اخبار دالّ بر امور مستحب جایز می‌دانند (شیبیری زنجانی، بی‌تا: ۴۵۸/۵) و گروهی دیگر، اخبار ضعیف دالّ بر کراهت را نیز داخل این گستره می‌دانند (آشتیانی، ۱۴۳۰: ۱۴۱/۴؛ صدر، ۱۴۱۷: ۱۳۲/۵).
 مهم‌ترین دلیل باورمندان به تعمیم اخبار من بلغ به روایات دالّ بر کراهت، تنقیح مناط و استحباب ترک مکروه است. مخالفان نیز به سبب ظنی بودن این مناط و عدم اثبات مستحب بودن ترک مکروه، این رویکرد را برتافته‌اند (حسینی روحانی، ۱۴۳۲: ۳۶۷/۴).

در حوزه گستره موضوعی نیز پاره‌ای از دانشوران، مدلول قاعده را تنها ناظر به روایاتی با موضوع فروع فقهی برمی‌شمرند و عده‌ای دیگر، این روایات را در عرصه‌هایی چون اخلاق، مواعظ، فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، اخبار عامه و فضایل سُور نقش‌آفرین می‌دانند. برخی نیز تنها دلیل جواز نقل اخبار عامه را قاعده تسامح می‌دانند (عاملی، ۱۴۰۱: ۹۵).

نمونه‌هایی از جواز عمل به مستحبات در اخبار ضعیف عبارت‌اند از: مستحب بودن وضو برای کسی که در هنگام نماز قهقهه می‌زند (سبحانی، ۱۴۱۵: ۷۱/۴)؛ عدم وجوب قیام در نماز نافله (زحیلی، ۱۴۲۷: ۷۵۱/۲)؛ عدم وجوب تکرار تیمم برای نماز نافله جدید (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۵۴).

از آنجا که مهم‌ترین دلیل نقلی قاعده تسامح، بر خانواده‌ای از احادیث استوار است که به «اخبار من بلغ» نام بردارند، شایسته است مهم‌ترین آن‌ها از نظر گذرانده شوند.

- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَّغَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۲۵/۳).

- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عِمْرَانَ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ، فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ، أَوْ تَبَّهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَّغَهُ» (همان).

- «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَلَّغَهُ عَنِ النَّبِيِّ شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ، كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابِ وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱).

- «أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي قَالَ رَوَى الصَّدُوقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطُرُقِهِ إِلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ مَنْ بَلَّغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ، كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا بَلَّغَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا نَقَلَ إِلَيْهِ» (ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۱۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸۲/۱).

روایات مشابهی از این خانواده در منابع روایی امامیه یافت می‌شوند (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۶۲۹/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸۱-۸۲/۱). در منابع عامه نیز این اخبار به شکل زیر بیان شده‌اند:

- «سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ بَلَّغَهُ مَعْرُوفٌ عَنْ أَخِيهِ مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ وَلَا إِسْرَافِ نَفْسٍ، فَلْيَقْبَلْهُ وَلَا يَرُدَّهُ، فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقٌ سَاقَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۷۱/۲).

- «مَنْ بَلَّغَهُ عَنِ اللَّهِ شَيْءٌ فِيهِ فَضِيلَةٌ فَأَخَذَ بِهِ إِيمَانًا وَرَجَاءً ثَوَابُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۷۹۱/۱۵).

بر همین اساس، عامه با مبنا قرار دادن عبارت «إِذَا رَوَيْنَا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ شَدَّدْنَا، وَإِذَا رَوَيْنَا فِي الْفَضَائِلِ وَنَحْوِهَا تَسَاهَلْنَا» (سیوطی، بی‌تا: ۲۹۸/۱)، تسامح در واکاوی‌های سندی اخبار بیانگر فضایل اعمال را روا می‌دانند.

درباره سند این اخبار، عده‌ای ادعای تواتر معنوی یا استفاضه نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۸؛ قمی، ۱۳۷۸: ۴۸۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۳۱/۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۳۶: ۱۷۸/۳).

در مقابل، عده‌ای به سبب هم‌آوازی اخبار من بلغ با جریان وضع و جعل، استواری سند این اخبار را نپذیرفته‌اند (بیضانی، ۱۳۸۵: ۳۸). واکاوی سندی نشان می‌دهد که استوارترین سند را در میان این اخبار، روایت اول داراست؛ گرچه سایر روایات شیعی پیش گفته نیز از طریق توثیقات عامه، مورد قبول خواهند بود. برخی از عامه نیز به سبب وجود افرادی چون یحیی بن کثیر در سند این اخبار، اخبار مستفاد در قاعده تساهل در اسانید را منتسب به رسول خدا ﷺ نمی‌دانند (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۴۲۲/۱).

۳-۳. نمونه‌های کاربرست اخبار من بلغ در مسائل قرآنی

نمونه‌های فراوانی از کاربرست اخبار من بلغ در فتوا به استحباب یا کراهت احکام مربوط به قرآن در فقه وجود دارد. برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از: نگارش سوره نمل بر پوست غزال برای در امان ماندن از حیوانات گزنده (حسینی بحرانی، ۱۳۷۴: ۱۹۹/۴)؛ همترازی ثواب قرائت هر حرف از آیه‌الکرسی با ثواب شهیدان (ابن طاووس، ۱۴۳۰: ۱۵۸)؛ روایات دال بر ثواب‌های فراوان تلاوت قرآن، مانند: «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْجُرْكُمْ عَلَى تِلَاوَتِهِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۸۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۷۴۱/۱)؛ رعایت آداب قاری مانند سکینه، اجتناب از خنده‌های بی‌مورد و آراستن محاسن (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۲۶)؛ روایت «اقْرَأُوا الزَّهْرَاوَيْنِ: الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ، فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا عَمَامَتَانِ» (بیهقی، ۱۴۲۳: ۳۷۱/۳)؛ و کشیدن صوت در هنگام تهلیل (جریسی، ۱۴۲۴: ۱۳۱).

۴. گونه‌شناسی رویارویی با اخبار فضایل سُوْر بر اساس قاعده تسامح

در ادله سنن

با بررسی متن و مقدمه کتب فراوانی که درباره فضایل سوره‌های قرآن به نگارش درآمده، دلیل ویژه‌ای از سوی نویسندگان آن‌ها بر میزان اعتبار اخبار ضعیف این حوزه یافت نمی‌شود. نگارندگان بر این باورند که موارد ذیل سبب اقبال گسترده مؤمنان پاک‌نهاد به چنین روایاتی شده است: هم‌آوایی محتوای روایات با آثار اعجاز‌آمیز قرآن؛ آیات دال بر قرائت قرآن و اثربخشی بهره از آن؛ تقدیس روایات مرتبط با قرآن؛ پیشینه

وجود روایات معتبر درباره خواص آیات و سُور؛ حکم عقل به بهره از برکات قرآن؛ مفاد اخبار دالّ بر بهره از قرآن مانند حدیث ثقلین؛ سیره اصحاب و صالحان در عمل به اخبار دالّ بر فضایل قرآن؛ و نیز سیره اهل بیت علیهم‌السلام در مداومت بر قرائت قرآن. شایسته یادکرد است که در میان رویکردهای افراطی و گاه ساده‌لوحانه در پذیرش اخبار، عده‌ای با انگیزه‌های گوناگون به جعل و وضع اخبار روی آوردند.

با این همه، داوری درباره اخبار ضعیف فضایل سُور، پیوندی ژرف با قاعده تسامح در ادله سنن دارد. از این رو شایسته است که رهیافت‌های گوناگون درباره گستراندن این قاعده به اخبار پیش گفته واکاوی شود.

۴-۱. پذیرش عام

در این رویکرد، اخبار ضعیف دربردارنده احکام غیر الزامی و فضایل اعمال بدون اشاره به جعل استحباب یا اباحه شرعی در انجام آن‌ها، تلقی به قبول شده‌اند. علامه محمودی در یکی از پانوشته‌های خویش بر تصحیح بحار الانوار معتقد است که امر تسامح در نقل اسناد مربوط به آداب و سنن و قصص، امری متداول در آثار شیخ صدوق بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۱۱). شهید ثانی در اشاره به این رویکرد می‌نویسد:

«جوز الأكثر العمل بالخبر الضعیف فی نحو القصص والمواعظ وفضائل الأعمال، لا فی صفات الله تعالی وأحكام الحلال والحرام» (عاملی جبعی، بی‌تا: ۲۹).

محقق حلّی نیز اخبار مربوط به سنن و آداب را نیازمند بررسی سند نمی‌داند (محقق حلّی، ۱۳۶۳: ۱۴۸/۲). طبق این رویکرد، وقوع کذب در اخبار فضایل یقینی نیست؛ پس از رده شک در موضوع خواهد بود. از دیگر سو، علم اجمالی به مخالفت اخبار با واقع، مانعی از عمل به محتوای آن‌ها نیست؛ چون مخالفت احتمالی محذوری ندارد (حسینی روحانی، ۱۴۳۲: ۳۵۸/۴).

برخی از دانشوران عامه نیز جریان قاعده تسامح را در کلیه روایات بیانگرِ قصص قرآنی و فضایل اعمال، به سبب قرار نداشتن در حوزه عقاید و احکام، جایز دانسته (حسن، ۱۴۲۱: ۵۰؛ لاجم، بی‌تا: ۸۷؛ طحطاوی حنفی، ۱۳۱۸: ۱/۴۵) و نقل اخبار ضعیف در صحیحین را از باب بیان فضایل ارزیابی کرده‌اند (عمر، ۱۴۲۵: ۲/۷۹۵). در میان عامه،

این رویکرد با عبارات زیر بیان شده است:

«يَجُوزُ عِنْدَ أَهْلِ الْحَدِيثِ وَغَيْرِهِمُ التَّسَاهُلُ فِي الْأَسَانِيدِ وَرَوَايَةِ مَا سِوَى الْمَوْضُوعِ مِنْ أَنْوَاعِ الْأَحَادِيثِ الضَّعِيفَةِ مِنْ غَيْرِ اهْتِمَامٍ بَيِّنٍ صَغَفَهَا فِيَمَا سِوَى صِفَاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَحْكَامِ الشَّرِيعَةِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَغَيْرِهَا. وَذَلِكَ كَالْمَوَاعِظِ وَالْفِصَصِ وَقَضَائِلِ الْأَعْمَالِ وَسَائِرِ فُنُونِ التَّرْغِيبِ وَالتَّزْهِيبِ» (تقی‌الدین ابن‌الصلاح، ۱۴۰۶: ۱۰۳؛ نووی، ۱۴۰۵: ۴۸/۱؛ سیوطی، بی‌تا: ۲۹۸/۱).

یکی از فقیهان و حدیث‌پژوهان عامه، پذیرش اخبار فضایل را به طور عموم، امری مورد توافق عامه دانسته و می‌نویسد:

«وَقَدْ اتَّفَقَ الْعُلَمَاءُ عَلَى أَنَّ الْحَدِيثَ الْمُرْسَلَ وَالضَّعِيفَ وَالْمَوْقُوفَ يُسَامَحُ بِهِ فِي قَضَائِلِ الْأَعْمَالِ وَيُعْمَلُ بِمُقْتَضَاهُ» (نووی، بی‌تا: ۹۴/۲).

وی روایات مربوط به سوگواری بر مردگان و برخی مستحبات کفن و دفن را از این باب می‌داند (همان: ۴۳/۵ و ۳۰۴).

در این رویکرد، آیات دربردارنده ویژگی شفابخشی قرآن (یونس/ ۵۷؛ اسراء/ ۸۲؛ فصلت/ ۴۲)، بیانگر موافقت قرآن با اخباری چون «مَنْ لَمْ يَسْتَسْفِ بِالْقُرْآنِ فَلَا شَفَاءَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۶/۸۹) و «شَفَاءُ أُمَّتِي فِي ثَلَاثِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ لَعْنَةٍ مِنْ عَسَلٍ أَوْ شَرْطَةِ حَجَّامٍ» بوده و جواز عمل به مدلول اخبار خاص دال بر اثرات طبیبی آیات قرآن را ثابت می‌کند. برخی با برداشت عام از آیات و روایات پیش گفته، نگارش تعویذ، رقیه و اوراد مخصوص را برای رهایی از بیماری و گرفتاری روا دانسته‌اند (حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۹/۸).

نقد این رویکرد

باور به حجیت مجموعه اخبار ضعیف دربردارنده فضایل اعمال، با روایات فراوانی که قطع به وضع و جعل آن‌ها وجود دارد، ناسازگار خواهد بود. همچنین با ادله حجیت خبر واحد به ویژه منطوق آیه نبأ مخالف خواهد بود؛ چرا که بر اساس منطوق این آیه، پذیرش خبر شخص فاسق بدون تبیین ناروا خواهد بود و نیز به دلیل عمومیت واژه خبر در این آیه، نمی‌توان آن را منحصر به اخبار دربردارنده الزامیات دانست. پس هیچ

وجهی برای تخصیص این آیه با اخبار من بلغ وجود ندارد.

کاربست مفهوم شفاء در حقیقت برای زوال بیماری است؛ ولی از روی مجاز درباره زدایش هر کاستی، گمراهی و مانع معرفتی به کار می‌رود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۴۰/۱۴). مفسران کلمه شفاء در آیات پیش گفته را بر چند وجه تبیین نموده‌اند که عبارت‌اند از: زدودن جهل و سردرگمی؛ رفع شک در وحیانی بودن قرآن به سبب توجه به اعجاز آن؛ راهگشایی امور دنیوی و اخروی به سبب در برداشتن آموزه‌های توحیدی؛ و تبرک جستن به قرآن برای دفع گرفتاری‌ها و مضارّ می‌دانند (طوسی، ۱۴۳۱: ۱۴۳/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۸۹/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۷۲/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۳/۱۳). علامه طباطبایی هدایتگری معرفتی انسان را همان شفاء واقعی برای نجات از کژی‌ها ارزیابی کرده و تأثیرگذاری آیات قرآن بر قلب و روان آدمی را اصلی برآمده از آیات پیش گفته دانسته است. بر این اساس، محتوای آن‌ها ایجاد سعادت و کرامت برای انسان خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۱۰/۹). نتیجه سلامت معرفتی و روان آدمی، در جسم او نیز ظاهر خواهد شد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۱۰/۱۷). روایات صحیح‌ه‌ای مانند «إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۶۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۳/۲۴) نیز با این تفسیر سازگارند.

۲-۴. جعل استحباب به عنوان اولی یا ثانوی

برخی از باورمندان به قاعده تسامح، اخبار ضعیف فضایل اعمال را رهنمون بر استحباب آن اعمال می‌دانند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۴۲۰/۱). در این رویکرد، ثواب وعده داده شده در اخبار، به نفس همان عمل تعلق می‌گیرد، نه به عملی که با انگیزه ثواب انجام شود (آخوند خراسانی، ۱۳۹۳: ۲۳۶/۲). در واقع، قاعده‌ای فقهی از مفاد اخبار من بلغ به شکل زیر استخراج می‌شود: «كُلُّ مَا بَلَغَ فِيهِ ثَوَابٌ فَهُوَ مُسْتَحَبٌّ». برخی فقیهان بر اساس پذیرش جعل استحباب در مفاد اخبار من بلغ، فتوا به مواردی مانند نیابت از میت در قضای روزه داده‌اند که از اخبار ضعیف برآمده است (شیبیری زنجانی، بی‌تا: ۸۲۱/۴).

نمونه‌ای از کاربرست قاعده در اخبار فضایل سُور با رویکرد فوق، به شرح زیر است: روایت «الْوَجِبُ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِذَا كَانَ لَنَا شَيْعَةٌ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بِالْجُمُعَةِ وَسَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي صَلَاةِ الظُّهْرِ بِالْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ» (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۱۸) به سبب

وجود محمد بن حسان و اسماعیل بن مهران در سلسله اسناد آن ضعیف شمرده می شود (ر.ک: ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۸ و ۹۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶ و ۳۳۸). مقدس اردبیلی با وجود تصریح به ضعف سندی این روایت، با استناد به عمل مشهور در اثبات استحباب و کراهت در اخبار ضعیف، عمل به آن را مستحب می شمارد (اردبیلی، بی تا: ۱۱۸). مجلسی نیز عمل به روایات فضائل القرآن را به طور عمومی مستحب می داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۲/۸۴).

برخی دیگر، حکم به استحباب را به شکل مستقیم از اخبار ضعیف، ناروا دانسته اند؛ ولی با بهره از اخبار من بلغ، قائل به جعل استحباب با عنوان ثانوی هستند (عاملی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۳)؛ مانند واجب شدن عملی که با عمل مستحبی نذر رخ داده است (موسوی خویی، ۱۴۱۹: ۳۰۲/۳). صاحب *مرآة العقول* در این باره معتقد است که عمل به روایات فضایل سوره، در حقیقت پیروی از اخبار من بلغ است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۴/۸). به نظر می رسد مجلسی به سبب اثبات استحباب قرائت قرآن از ادله معتبر، عمل به روایات ضعیف این باب را مستحب می داند، نه از جهت جعل حکم جدید استحباب برای مدلول روایات ضعیف.

یکی از باورمندان به جعل استحباب به عنوان ثانوی در اخبار ضعیف معتقد است که ظن به راستگویی ناقل خبر در ترتب ثواب شرط نیست؛ بلکه تنها ظن به دروغگویی، سبب عدم حصول ثواب می شود (عاملی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۰۱).

نقد این رویکرد

همان گونه که آشکار است، احکام برای انتساب به شرع، نیازمند دلیل معتبر شرعی هستند. صاحب *حلائق* در این باره می نویسد:

«أَنَّ الاستحباب حکم شرعیّ وفي ثبوت الأحكام الشرعیّة بمثل هذه التعليلات العقلیّة والمناسبات الذوقیّة إشکال» (بحرانی، ۱۳۶۳: ۱۹۷/۴ و ۲۲۴/۱۲).

پس خبر ضعیف، توان جعل مستقل استحباب و اباحه را ندارد (حرّ عاملی، ۱۴۱۸: ۶۱۸/۱؛ میرداماد، ۱۳۱۱: ۱۱۹).

به دیگر سخن، وجود اخبار ضعیف برای اثبات استحباب، تنها قرینه ای است که نیازمند پیوستن به قرائن دیگر برای استوارسازی فتوا خواهد بود (حرّ عاملی، ۱۴۱۸: ۶۱۸/۱).

برخی بر همین اساس، اخبار دال بر غسل مجنون پس از سلامتی را نه دال بر وجوب می‌دانند نه استحباب (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۴۸۱/۲).

همچنین ثواب مترتب بر عملی، یا استحقاقی است یا تفضلی. از عباراتی مانند «إن كان لم يقله» برمی‌آید که خود عمل، ملاک حقیقی بهره از ثواب را ندارد، پس حتماً این ثواب تفضلی خواهد بود. افزون بر این، عنوان بلوغ در این رویکرد، عنوان بلوغ ثواب را باید امری عارضی تلقی کرد که سبب ایجاد مصلحت شده است؛ در حالی که رسیدن خبر ضعیف دال بر استحباب عملی خاص، توان ایجاد مصلحت مستقل را ندارد (موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۱).

جعل استحباب به عنوان ثانوی نیز دچار اشکال است؛ چون از عباراتی مانند «كَانَ لَهُ أَجْرُهُ»، «كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ» و «أَعْطَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ» در اخبار من بلغ چنین برمی‌آید که موضوع محوری، همان عمل خارجی مشخص است، نه عمل مقید به اصلی دیگر مانند بلوغ ثواب.

۴-۳. انگیزش به انجام اعمال مستحب

برخی به دلیل اهمیت حفظ مستحبات واقعی و جلوگیری از تباه شدن آن‌ها در میان روایات فراوان آمیخته به اخبار ضعیف، حکمت اخبار من بلغ را شوق‌انگیزی در مکلفان برای انجام اعمال مستحب دانسته و آن را به قرار دادن جعل در قرارداد جُعاله تنظیم نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۱۴: ۱۳۲/۲). در این رویکرد، اخبار من بلغ به استحباب ذاتی رهنمون نیستند، بلکه دربردارنده حکم تشویقی خواهند بود؛ مانند قرار دادن ثواب در پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام، که صرف پیاده‌روی ثوابی ندارد، بلکه برای تشویق به زیارت (و نمایش عظمت شیعیان) بدان ثواب داده می‌شود (همان: ۱۳۳/۲).

در این رهیافت، مفاد اخبار من بلغ در صدد تشویق مردم به انجام اعمال مستحبی است که نوعاً مردم در انجام آن‌ها ضرری نمی‌بینند (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۳۲۹/۲). برخی نیز این شوق‌انگیزی را از باب احتیاط دانسته‌اند (صدر، ۱۴۱۷: ۱۲۶/۵). به دیگر سخن، این اخبار در مقام رفع تردید مکلفان در مقام عمل و اعتمادسازی به دریافت جزای اعمال هستند (قربان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۶).

نقد این رویکرد

اگر مراد از اخبار من بلغ، ترغیب به حفظ اعمال مستحبی باشد که در میان انبوهی از اعمال مستحب و مباح پنهان هستند، انگیزه کنشگری که بر اساس خبر ضعیفی، اقدام به مدلول خبر می‌کند، از دو حال خارج نیست؛ یا به نیت انجام عمل استجابی این کار را انجام می‌دهد یا به نیتی دیگر. نیت اول بنا بر برخی مبانی، سبب تشریح بلاذلیل معتبر بوده و از بدعت سر بر خواهد آورد. این حالت در نظر باورمندان به این رویکرد هم ناروا خواهد بود. اما اگر فاعل کار، نیت دیگری غیر از انجام عمل مستحبی داشته باشد، مقصود مورد نظر یعنی تحفظ بر مستحبات، روی نداده است؛ بلکه انگیزه دیگری مانند نیل به ثواب یا همراهی با حکم عقل و احتیاط، محرک وی بوده است.

۴-۴. تبیین تفضل الهی

از آنجا که در اخبار گوناگون حتی روایات صحیح، احتمال عدم صدور از معصوم به طور کامل مرتفع نیست، مکلفان در انجام اعمال دچار تشویش و عدم سکون کامل قلبی هستند. به باور عده‌ای، اخبار من بلغ در صدد زدودن تشویش پیش گفته در عمل به مؤدای تمامی اخبار معتبره هستند. بر این اساس، اخبار من بلغ در صدد ایجاد انگیزه برای مکلف نیستند، بلکه در مقام بیان ثواب الهی برای انجام اعمال خیر بوده (حسینی روحانی، ۱۴۱۳: ۴/۴۲۵؛ مرزبانی، ۱۳۷۸: ۳۲) و از تفضل الهی به کنشگر آن‌ها خبر می‌دهند (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲/۶۰۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۳۲: ۴/۳۵۹).

در این رویکرد، قصد تقرب از انجام اعمال، سبب قبول کریمانه پروردگار خواهد شد (ابن طاووس، ۱۴۳۰: ۱۵۹؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۱۴). برخی فقیهان انجام بسیاری از اعمال مستحبی را که در ابواب مختلف فقهی به روایات ضعیف مستند شده‌اند، تنها به قصد رجاء جایز شمرده و ترتب ثواب بر آن‌ها را از روی تفضل الهی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۳۳/۷؛ سبحانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۳۶: ۳/۱۸۶). صاحب مقیاس الهدایه در این باره می‌نویسد:

«امتثلته العبد إطاعةً وانقیاداً ورجاءً للأجر الموعود علیه» (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱/۱۹).

بر این اساس، سیاق این روایات، اخباری بوده و در رده موضوعات کلامی خواهند

بود.

یکی از پژوهشگران معاصر درباره اخبار ضعیف فضایل قرآن می‌نویسد:

«این گونه روایات در فضیلت تلاوت سوره‌های قرآنی اگر هم سند درستی نداشته باشد، باز می‌توان از باب رجاء به آن‌ها عمل کرد و شک نیست که خواندن قرآن، نور است و ثواب بسیاری دارد» (جعفری، ۱۳۷۶: ۲/۳۴۴).

نقد این رویکرد

در این رویکرد، بهره از ثواب الهی به جهت عمل به مدلول اخبار ضعیف از روی تفضل الهی در نظر گرفته شده است. اما سخن در مطابقت این تفضل با میزان ثوابی است که در اخبار مذکور مندرج است. به نظر می‌رسد بهره‌مندی از میزانی ثواب، به جهت انجام اصل عملی مانند قرائت قرآن باشد، نه مطابقت واقعی ثواب قرائت سوره‌ای خاص در خبری ضعیف با ثواب مورد عنایت. از این جهت، با اعمال مستحب در مستحب قابل تنظیر خواهد بود؛ به این بیان که استحباب کنشی در عملی که استحباب اصل آن به اثبات رسیده هم نیاز به دلیل شرعی دارد. افزودن برخی اعمال مباح به فعل مستحبی که قابلیت توسعه آن را می‌توان از لسان دلیل فهمید، مساوی با انتساب آن اعمال به شرع در قامت عملی مستحبی نخواهد بود.

از دیگرسو، تبیین ترتب تفضل الهی بر انجام مدلول روایات معتبره، نیازی به بیان اخبار نداشت؛ بلکه عقل بالاستقلال می‌فهمد که مکلف با هر عمل صالحی که با انگیزه دینی انجام می‌دهد، از فضل الهی بهره‌مند خواهد بود. پس نهایتاً این برداشت از اخبار من بلغ باید ارشادی به حکم عقل باشد. پس انجام هر عمل خیری، از باب فضل پروردگار، دربردارنده پاداش است؛ چه این اعمال برآمده از شرع باشند یا بر اساس حکم عقل. افزون بر این، انحصار بهره‌مندی از فضل الهی در صورت عمل به اخبار معتبر، استوار به نظر نمی‌رسد؛ چرا که عمل به اخبار ضعیف نیز به سبب حسن فاعلی کنشگر آن، سبب بهره‌مندی از فضل الهی خواهد شد.

۴-۵. راهنمایی به حکم عقل

برخی از دانشوران، عامل انگیزاننده به انجام واجبات و مستحبات را تنها امور نقلی ندانسته و امور عقلی را نیز رهنمون به انجام مندوبات به سبب دریافت تفضل الهی دانسته‌اند (آشتیانی، ۱۴۳۰: ۴۸/۵)؛ چرا که قرب به پروردگار نزد عقل برترین فریضه است. عقل کلیت انجام اعمال پسندیده را درک می‌کند، اما در صغری (کیفیت انجام واجبات و مستحبات) راهی جز رجوع به شرع نیست (سبحانی، ۱۴۳۲: ۸۳/۷). بر این اساس، مفاد اخبار من بلغ، جمله‌ای خبری خواهد بود.

به دیگر سخن، اخبار من بلغ به همان حکم عقلی نیکو بودن فرمانبرداری از مولا رهنمون هستند (میرداماد، ۱۳۱۱: ۱۲۱؛ عراقی، ۱۴۱۷: ۲۹۷/۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۱). برخی نیز متعلق حکم عقل را انجام امور مباح دانسته‌اند نه حسن انقیاد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۸۲/۳) و برخی دیگر، آن را رهنمون به احتیاط عقلی پنداشته‌اند (عراقی، ۱۴۱۷: ۲۷۹/۳). یکی از دانشوران عامه در این باره می‌نویسد:

«إذا لم یعتقد عند العمل به ثبوته، أی نسبته إلی رسول الله ﷺ، بل یعتقد الاحتیاط» (سیوطی، بی‌تا: ۲۹۹/۱).

نقد این رویکرد

برخی در نقد این رویکرد معتقدند که ظهور نوعی خطابات شارع، مولوی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۲). پس باور به ارشادی بودن این اخبار نادرست است. اما این استدلال استوار نمی‌نماید؛ چرا که برخی از احکام مولوی وجود دارند که پیش از آن، مورد تأیید عقل هم بوده‌اند و شارع با بیان آن‌ها در قالب‌هایی چون انشاء و اخبار، موافقتش با آن‌ها را بیان کرده و حکم الزامی بر آن‌ها بار نموده است. پس مولوی بودن حکم شارع به طریق اختصاصی عمومیت افرادی نخواهد داشت. تقریر دیگری از این دیدگاه، در رویکرد برگزیده خواهد آمد.

۴-۶. انکار به سبب ورود وضع و جعل

برخی به سبب ضعف اسناد و وهن‌انگیزی متن بسیاری از اخبار فضایل سوره، آن‌ها را موضوعه می‌شمارند (مامقانی، ۱۴۱۱: ۴۱۱/۱؛ معرفت، ۱۴۲۹: ۱۷/۲) و تسامح در بررسی

اسناد این روایات را به زیان اسلام می‌دانند (کمالی دزفولی، ۱۳۵۴: ۴۲۲). در این رویکرد، وجود روایات من بلغ، دستمایه دروغ‌سازان در گستراندن افسانه‌های ذهنی خود به اخبار معصومان علیهم‌السلام خواهد شد (حسنی، ۱۹۷۳: ۸۸). شهید ثانی که خود از پیشگامان ساماندهی قاعده تسامح است، در خبر منقول از ابی بن کعب درباره فضایل قرآن، قائل به ساختگی بودن آن شده است (عاملی جبعی، بی‌تا: ۵۷).

به نظر می‌رسد وجود قطع به جعل برخی روایات مانند روایت ابو عصمه مروزی و خبر منتسب به ابی بن کعب (منقول از ابن مبارک) در بیان فضایل همه سوره‌های قرآن و نیز برخی اخبار عامه، سبب این باور شده است (جرجانی، ۱۴۳۰: ۵۶/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۲/۱؛ ابن طاووس، ۱۳۸۹: ۱۰۰). در این میان، عده‌ای نیز به نیت رساندن مردم به ثواب، به جعل روی آوردند (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۳۱/۱)؛ برای نمونه، محمود بن غیلان روایت منتسب به ابی بن کعب درباره فضایل سوره‌های قرآن را از یکی از مشایخ نقل حدیث شنیده بود. وی به دنبال سلسله ناقلان این خبر، راهی مدائن و بصره و عبّادان گردید و در نهایت، یکی از ناقلان آن را در جمعی از صوفیان یافت و از او درباره منبعش پرسید. وی در پاسخ گفت:

«لم يحدثني أحدٌ ولكنّا رأينا الناس قد رَغِبُوا من القرآن فَوَضَعْنَا لَهُم هَذَا الْحَدِيثَ ليصرفوا وُجُوههم إلى القرآن» (همان: ۳۹۳/۱).

اعتراف نوح بن ابی مریم مروزی با عبارت «إِنِّي رَأَيْتِ النَّاسَ أَعْرَضُوا عَنِ الْقُرْآنِ وَاسْتَعْلَمُوا بِفِقْهِ أَبِي حَنِيفَةَ وَمَعَاذِي بِنِ إِسْحَاقَ فَوَضَعْتَ هَذَا الْحَدِيثَ حَسْبَهُ» (سیوطی، ۱۴۱۷: ۳۰/۲)، در همین راستا قابل ارزیابی است. وی با عناوینی چون شیخ کذاب، به وضع حدیث درباره فضایل قرآن شهره است (معرفت، ۱۴۱۸: ۶۹/۲).

مغیره بن سعید، نوح بن ابی مریم، محمد بن سعید، احمد جویباری و محمد بن عکاشه (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۸/۱؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۶۸/۲)، مشهورترین چهره‌های این جریان هستند. کرامیه نیز احادیثی پیرامون ترغیب و ترهیب جعل می‌کردند (حسن، ۱۴۲۱: ۲۱۶). برخی معتقدند که خدانا باوران در این راستا، چهارده هزار خبر جعل کردند (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۰/۱).

برخی ساده‌دلان به ظاهر مسلمان نیز برای ایجاد انگیزه در مردم جهت انجام اعمال نیک، به وضع اخبار فضایل سُور روی آوردند (همان: ۲۲/۱). نمونه‌هایی از اخبار موضوعه حوزه فضایل سُور نزد عامه عبارت‌اند از: خبر دالّ بر بهشتی بودن قاری آیه‌الکرسی پس از هر نماز (شوکانی، ۱۴۱۸: ۲۳۶)؛ ثواب یک‌سوم پاداش پیامبران به خواننده یک‌سوم قرآن (همان: ۳۰۴/۱)؛ ثواب‌های فراوان برای قرائت سوره بقره (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۳۹۴/۱).

سیوطی نیز روایات فضایل سُور را آن‌چنان فراوان می‌دانست که ناگزیر از نگارش کتابی با نام *حمائل الزهرفی فضایل السُور* گردید تا احادیث معتبره در این موضوع را گرد آورد (سیوطی، ۱۴۲۱ الف: ۲/۳۳۸). ابن جوزی نیز به نقد سندی سی روایت معروف درباره فضایل سوره‌های بقره، یس، دخان، علق، تین و توحید پرداخته است (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۳۹۰/۱). همچنین سند ۳۸۰ روایت درباره فضایل و مثالب زمان‌ها و مکان‌ها را به نقد کشیده است (همان: ۳۴۵-۳۴۹/۲).

برخی نیز پذیرش مفاد اخبار ضعیف دالّ بر فضایل اعمال را از مصادیق کذب شمرده و ملاک سخن دروغین را بازگو کردن کلامی می‌دانند که علم به آن حاصل نیامده و حجتی بر آن استوار نشده باشد (موسوی خویی، ۱۴۱۹: ۳/۳۱۰؛ غروی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۴). در این رویکرد، تسامح در نقل فضایل سبب گشوده شدن دریچه خرافات و دروغ‌بافی در شرع می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳/۹۰).

رویکرد مخالفان مسامحه در نقل اخبار دربردارنده فضایل را در چهار رده می‌توان افزایش داد که عبارت‌اند از: ۱- نادرستی برداشت تسامح از اخبار من بلغ؛ ۲- موضوعیت نداشتن اخبار من بلغ در روایات فضایل (رحمان ستایش و طباطبایی حکیم، ۱۳۹۳: ۱۸)؛ ۳- ناروا بودن ترویج امر مشکوک؛ ۴- حرمت شرعی گفتار بدون علم.

نقد این رویکرد

همان‌گونه که گفته آمد، وجود انبوهی از روایات جعلی در این باب، سبب بی‌اعتمادی به روایات فضایل سُور شده است. اما نمی‌توان هر خبر ضعیفی در این باب را به سبب انگاره ورود جعل، نامعتبر دانست.

۵. رویکرد برگزیده

برای فهم جان‌مایه این اخبار، توجه به دو مؤلفهٔ مستتر در آن‌ها یعنی غایت مفهومی این اخبار و شناخت معنای بلوغ بایسته می‌نماید. بر اساس اخبار من بلغ، غایت عمل به آن‌ها، نیل به ثواب و خیر دانسته شده است. واژه ثواب در لغت به معنای رجوع چیزی به حالت اولیه بوده و در اصطلاح، هر آن چیزی است که در نتیجه عمل شخص نیکوکار یا بدکردار به او باز می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۰؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۱۳/۱۵). بر این اساس، نتیجه هر عملی، ثواب آن خواهد بود.

در مورد مفهوم بلوغ ثواب نیز برخی از دانشوران، شنیدن ثواب از هر راهی مانند شنیدن از راوی، مفتی، یافتن در کتب فقهی یا حدیثی را برای عمل به اخبار دربردارنده ثواب جایز دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۸؛ عاملی طوسی، ۱۳۹۳: ۵۰۱؛ سبحانی، ۱۴۱۴: ۴۲۸/۳). در مقابل، عده‌ای به بلوغ از طریق معتبر باور دارند (حسینی شیرازی، ۱۴۳۶: ۱۹۰/۳). مامقانی در این باره می‌نویسد:

«فالمراد بتلك الاخبار أنه إذا بلغ المكلف بالطريق العقلائي المطمأن به رجحان عمل مع منع تركه» (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۹۷/۱).

عبارت «مَنْ سَمِعَ» نیز مایه انحصار ایصال گزاره دربردارنده عمل خیر از طریق شنیدن نیست؛ بلکه از باب بیان وجه غالب بلوغ یک گزاره، یعنی استماع است. تعبیر «مَنْ بَلَغَهُ» نیز در این اخبار، مطلق است و ظاهراً اختصاص به حدیث معتبر یا ضعیف ندارد. گرچه احتمال انصراف آن به فرد اکمل و صحیح یعنی اخبار رسیده از طرق معتبره، معنادار می‌نماید، اما به راحتی نمی‌توان از اطلاق این مفهوم دست برداشت. از دیگر سو، ترتیب اثر دادن به یک گزاره، منحصر به دریافت از شخص موثق نیست؛ بلکه در امور روزمره زندگی بنا بر اهمیت موضوع، احتمالی خُرد هم سبب انگیزش بر کنشگری یا سکون می‌شود. این تعبیر به معنای دست شستن از بررسی سند و محتوای روایات فضایل سُور نیست؛ بلکه عمل به مفاد آن‌ها، به شرط بهره‌مندی از شرایطی جایز خواهد بود که در ادامه خواهد آمد.

۱-۵. تقریری عقلانی از اخبار من بلغ

به حکم خرد رشدیافته آدمی و بهره از قوانین علم احتمال، برخی کنش‌های غیرمخالف با آموزه‌های مسلم دینی، در جلب رضایت پروردگار یا دفع آسیب‌های احتمالی نقش آفرین هستند. این حکم عقلی که برآمده از برهان معقولیت است، گستره انجام افعال مباح را با قصد انجام وظایف بندگی مجاز می‌سازد. از برهان معقولیت، بیشتر برای اثبات امور اعتقادی مانند وجود پروردگار و معاد موجودات بهره برده می‌شود. بر این اساس، اعتقاد به وجود خدا و لوازم آن از عدم این باور، عقلانی‌تر است (محمدرضایی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ چرا که باور اول، سعادت جاودانه را در بر دارد و خدا ناباوری زیان‌های فراوان اخروی در پی خواهد داشت. از دیگر سو، خدا باوری هیچ زیانی در بر ندارد. با این حال، گستراندن این برهان به سپهر کنش‌های آدمی، موافق با عقل بوده و کاربست‌های فراوانی در روش زیست مؤمنانه دارد. پیشینه این برهان را که با عناوینی چون «عقل محض»، «ساختار جالب»، «اصل احتیاط»، «وجوب دفع ضرر محتمل» و «شرطیه پاسکال» نام‌بردار است (میناگر، ۱۳۹۸: ۷۰)، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌توان جست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۷/۷۸؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۴).

به دیگر سخن، برهان معقولیت در مقام حکمی عقلی، و دلالت اصلی اخبار من بلغ در مقام دلیلی شرعی، در پی بیان مفهوم احتیاط عقلی هستند. برهان معقولیت عهده‌دار تبیین عقلانی همان مفهومی است که اخبار من بلغ به دنبال تبیین شرعی آن هستند؛ چرا که تبیین همه امور مطلوب شارع به حوزه شرع واگذار نشده است. شریعت در حوزه بیان احکام الزامی، تنها حداقل‌ها را در سپهر احکام بیان کرده است. البته از حوزه‌های دیگری مانند اخلاق می‌توان در جهت پیشرفت معنوی در احکام شرعی بهره برد. پس برای رسیدن به امور مطلوب شارع، از طریقی دیگر مانند حکم عقل و حتی آموزه‌های اخلاقی، قصص، مواعظ و تاریخ نیز می‌توان بهره برد. گرچه عقل توان درک ابتدایی میزان ثواب موجود در عمل به مدلول اخبار ضعیف را ندارد، ولی در اصل محبوبیت عمل نزد مولا، درک مستقلی دارد.

ممکن است به تقریر عقلانی مذکور، اشکالی به بیان زیر گرفته شود: اگر این عمل، توسط مکلف به شرع نسبت داده شود، مصداق بدعت خواهد بود و اگر به نیت

جلب رضایت مولا انجام شود، کار مکلف در واقع انقیاد و اطاعت است و نمی‌توان آن را مستحب نامید.

در پاسخ به این اشکال گفته می‌شود که فرض اول پذیرفته نیست و بنا بر تقریر برگزیده از اخبار من بلغ و جریان آن در روایات فضایل سُور، مکلف نیت استحباب ندارد؛ بلکه مکلف به سبب حسن ظن به شارع، عملی را انجام می‌دهد که گمان می‌کند شارع از آن خشنود خواهد بود و نام استحباب را هم بر آن نمی‌گذارد. افزون بر این، هر عمل مباحی را با در نظر داشتن نیت و به قصد تقرب می‌توان عملی عبادی شمرد. پس عمل به مدلول اخبار ضعیف دربردارنده فضایل سُور را بدون در نظر گرفتن استحباب یا انتساب قطعی آن به شرع می‌توان با قصد تقرب انجام داد. شایسته یادکرد است که در دیدگاه بهره از تفضل الهی، انجام عمل به قصد رجاء همواره سبب بهره‌مندی از میزان ثواب مندرج در اخبار ضعیف رهنمون به آن عمل خواهد بود؛ حال آنکه در دیدگاه برگزیده، این مطابقت همیشگی وجود ندارد و ثواب مورد اشاره در اخبار ضعیف تنها در صورت مطابقت آن‌ها با واقع، شامل حال فاعل آن خواهد شد. نهایت اینکه مطلوبیت کلی عمل، سبب بهره از ثوابی به نحو اجمال خواهد شد. اما سخن این است که نمی‌توان ثواب مضاعفی را که اخبار ضعیف فضایل قرآن بدان وعده داده‌اند، همان ثواب مطلوبیت کلی عملی چون قرائت قرآن دانست.

تقریر عقلانی پیش گفته، با آیاتی مانند ﴿وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۱۵۸)، ﴿فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ﴾ (بقره/ ۱۸۴) و آیاتی دیگر (عنکبوت/ ۵؛ ذاریات/ ۵؛ مرسلات/ ۷) سازگار خواهد بود. کلمه «تَطَوَّع» در این آیات، از ماده طوع به معنای اطاعت از پروردگار در اعمال غیر واجب بوده، به گونه‌ای که ترک آن‌ها عقوبتی در پی ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۸۵/۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۴۰/۲). نکره بودن واژه «خیراً» در سیاق شرط نیز دال بر عمومیت هر عمل شایسته‌ای است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶۳/۲). بنا بر فراز پایانی آیه نخست، پروردگار به اعمالی از این دست پاداش می‌دهد (طوسی، ۱۴۳۱: ۴۴/۲). روح معنایی این دو فراز، پی‌جویی کنش‌های پسندیده در جهت کسب رضای پروردگار است. اطلاق آیات نیز سبب انحصارزدایی انجام نیک از حوزه اعمال شرعی معتبر می‌شود. پس هر عملی که عقل نیز آن را خیر

بداند، پیروی از آن در خور پاداش است و از آنجا که احتیاط عقلی و جلب نظر مولا، به حکم عقل، اعمال خیر محسوب می‌شوند، پس بر آن‌ها پاداش مترتب خواهد بود. روایاتی چون «إِذَا حَدَّثْتُمْ عَنِّي بِحَدِيثٍ يُوَافِقُ الْحَقَّ فَخُذُوا بِهِ حَدَّثْتُ بِهِ أَوْ لَمْ أُحَدِّثْ بِهِ» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۲۲۹/۱۰) نیز موافقت نقل با این تقریر را به اثبات می‌رسانند.

بر این اساس، جان‌مایه اخبار من بلغ، رهنمون به ایجاد سکون قلبی و آرامش عمل‌کنندگان نسبت به مجموعه گزاره‌های روایی است که از انواع دلالت‌های آن‌ها، مفهوم ثواب - به معنای اعم - برداشت می‌شود. نیک روشن است که این وعده، هم در اخبار معتبر و هم در اخبار ضعیف صادق خواهد بود. نهایت اینکه عمل به وعده ثواب در اخبار غیر معتبر، تنها ارشادی به حکم عقل و از باب احتیاط عملی خواهد بود و در اخبار معتبر، حکمی مولوی شمرده می‌شود. نیک روشن است که عمل به اخبار ضعیف، به معنای انتساب آن‌ها به شرع یا با انگیزه استحباب شرعی، مخالف رویکرد برگزیده خواهد بود. شایسته یادکرد است که تقریر عقلانی پیش‌گفته به معنای جواز عمل به همه روایات ضعیفِ بردارنده فضایل اعمال نیست؛ چرا که برخی از این اخبار به وضوح مخالف با سنجه‌های اعتبارسنجی حدیث مانند تطبیق با قرآن، سنت و حکم عقل هستند. از این رو شایسته است شرایطی بنیادین برای این اخبار در نظر داشت که در صورت عدم احراز آن شرایط، نیازی به بهره از تقریر پیش‌گفته در عمل به مؤدای آن‌ها نباشد.

۲-۵. شرایط گستراندن مفاد اخبار من بلغ به روایات فضایل سوره

بر اساس دیدگاه برگزیده، برای عمل به مدلول اخبار ضعیف رهنمون به فضیلت برخی کنش‌ها، برخورداری این اخبار از سه شرط زیر ضروری است: ۱- در سلسله سند خبر، راوی مشهور یا متهم به کذب، جعل یا مرتکب خطاهای آشکار وجود نداشته باشد؛ ۲- مدلول خبر، مخالف معیارهای معتبر دینی مانند آیات قرآن، سنت قطعی، حکم عقل و اصول شریعت نباشد؛ ۳- مدلول روایت با محتوای سوره سازگار باشد.

برای نمونه، روایات فضایل سوره که از طریق ابوعصمه مروزی به ابی بن کعب منتسب شده، به سبب اقرار وی به جعل و نیز روایات منقول از حسن بن علی بن ابی حمزه

بطائنی به سبب قطع به دروغگویی وی (موسوی خویی، ۱۳۶۹: ۱۵/۵) پذیرفتنی نیستند. اما مدلول اخبار باقی مانده به شرط بهره از شرایط پیش گفته، بدون در نظر داشتن حکم استحباب برای آن‌ها، به حکم عقل در جلب نظر مولا قابل عمل خواهند بود.

همچنین اگر محتوای خبر واحد ضعیفی، خلاف عقل و سایر معیارهای نقد محتوایی نباشد، بر اساس حکم عقل می‌توان بدان عمل کرد. ولی درباره انتساب آن به معصوم نمی‌توان به یقین داوری کرد. ترتب ثواب بر این عمل نه به عنوان انجام عمل مستحبی است، بلکه به عنوان حسن نیت و صفای باطن شخص در پی جویی و عمل به هر امر احتمالی در کسب رضایت مولا تعلق می‌گیرد. ناسازگاری روایات با آداب اسلامی و مقاصد شریعت نیز یکی از مؤلفه‌های بی‌اعتبار شمردن آن است. بر این اساس، روایات دال بر استحباب قرائت قرآن در کمتر از سه روز با آیاتی چون ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص/ ۲۹) که هدف از قرائت قرآن را تدبیر در آن می‌شمردند، مخالف خواهند بود. همچنین به حکم تجربه و عقل، قرائت مجموع قرآن در کمتر از سه روز با تدبیر در آن ناسازگار است. نیک روشن است که توانمندی معصومان عليهم السلام و صالحان بر این کار، به سبب آگاهی ایشان بر محتوای قرآن بوده و این سیره خاص، دلیل عامی برای پیروی از این روش برای عموم مسلمین ایجاد نمی‌کند.

تناسب و سازگاری محتوای هر سوره با فضیلتی که در روایت مربوطه آمده نیز یکی از شرایط پذیرش این اخبار شمرده شده است (نصیری، ۱۳۹۵: ۶۹؛ خامه‌گر، ۱۳۹۷: ۱۶). برای نمونه، روایاتی که سوره توحید را معادل ثلث قرآن می‌دانند، از جهت در بر داشتن آموزه‌های توحیدی در این سوره، قابل تفسیر هستند؛ چرا که اصول دین نیز بر سه رکن توحید، نبوت و معاد استوار است و تدبیر حقیقی در این سوره سبب فهم آموزه‌های توحیدی در سایر آیات خواهد شد.

برخی از دانشوران، بیان ثواب بزرگ برای اعمال خُرد را نیز یکی از مایه‌های بی‌اعتباری حدیث دانسته (حاج حسن، ۱۹۷۵: ۳۵۵) و آن را یکی از شرایط دال بر ضعف احادیث فضایل سوره شمرده‌اند (خامه‌گر، ۱۳۹۷: ۱۶). اما این معیار عمومیت ندارد؛ چرا که در نظام الهی رسیدگی به اعمال، تنها صورت ظاهری آن‌ها مؤلفه داوری نخواهد بود، بلکه انگیزه‌های فردی و آثار پسینی عمل در داوری نسبت به آن، نقش آفرین

هستند. افزون بر این، نظام پیچیده جزا و پاداش اعمال با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فراوان پیرامون یک عمل، امری نیست که به سادگی با قیاس عقلی محاسبه گردد.

با وجود این شرایط، موضوعات موجود در اخبار فضایل مادی سُور را بر حسب بنیان‌های قرآنی و اصول قرآنی همان موضوعات باید پی گرفت. برای نمونه، نقش روایات دال بر ویژگی‌های شفادهی برخی آیات قرآن نیز در قامت علل ناقصه تحقق شفاء قابل ارزیابی است؛ چرا که تحقق شفاء اعجازی، وابسته به شرایطی چون تقوای کشگر (مانده/ ۲۷) و متمایل کردن درخواست شفاء به سمت پروردگار است (شعراء/ ۸۰)، نه نقش مستقل آیات در بهبود آدمی. ضمن آنکه باید توجه داشت که هدف از نزول قرآن، هدایت آدمی بوده و وظیفه آدمی، تدبیر، تفکر و کاربست مفاهیم قرآنی در منظومه معرفتی و کنشی است نه بسنده کردن به قرائت. البته می‌توان این روایات را در صورت بهره‌مندی عامل آن‌ها از صفات ایمانی، بیانگر مقتضی بهره از آن ثواب‌ها دانست.

از آنجا که قرآن خود را با صفاتی چون هدایتگر، بینش‌آفرین، حکمت‌افزون و آرامش‌بخش یاد کرده (بقره/ ۲۶۹؛ آل عمران/ ۱۲۶؛ رعد/ ۲۸؛ جاثیه/ ۲) و برای تلاوت قرآن، آثاری مانند ایمان، توکل، کسب فضیلت‌های اخلاقی برشمرده است (انفال/ ۲؛ مریم/ ۵۸)، عمل به اخبار ضعیف در بردارنده فضایل سُور، تنها با در نظر داشتن نیل به آثار قرآنی تلاوت قرآن، عملی دینی شمرده خواهد شد. نگارندگان بر این باورند که دلالت التزامی اخبار من بلغ، رهنمون به انگیزش مؤمنان پاک‌نهاد در مسیر بندگی بوده و ایشان را به پاکسازی نفسانی از طریق قصد قربت با هر عمل مباحی متمایل می‌سازد. این برداشت در حوزه اخبار فضایل سُور با آیاتی چون ﴿فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَأَقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾ (مزمل/ ۲۰) سازگار است.

با این همه باید توجه داشت که انگاره تسامح در اسناد اخبار حاوی فضایل و عمل به آن‌ها به نیت استحباب، سبب گسترش فضای تولید کنش‌های سلیقه‌ای می‌شود. ابداع اموری نوین در گستره شریعت به بهانه دستیابی به ثواب، مهم‌ترین آسیب این رویکرد ارزیابی می‌شود. این رویکرد (باور به استحباب مفاد اخبار ضعیف فضایل سُور) را می‌توان مصداق بارز «إدخال ما ليس من الدين في الدين» دانست که به پهنه بدعت‌ها می‌افزاید.

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به سؤال جواز تسری قاعده تسامح به اخبار فضایل سُور، پس از دسته‌بندی، نقد و بررسی نظریات گوناگون دربارهٔ مفاد اخبار من بلغ، رویکرد برگزیده با تقریری عقلانی سامان یافته و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- اخبار من بلغ، رهنمون به حکم عقلی تلاش برای جلب نظر مولا بوده و عهده‌دار تبیین نقلی برهان معقولیت هستند. در این برهان، وجود احتمال مطلوب بودن عملی نزد شارع، انگیزه عقلانی برای انجام آن عمل را فراهم می‌سازد. این رهیافت با برخی دلالات قرآنی که رهنمون به اطاعت از پروردگار در احکام غیر الزامی هستند و نیز پاره‌ای روایات که تشویق‌کننده بر انجام اعمال مباح با حفظ نیت تقرب و اخلاص هستند، همخوان است.

۲- عمل به روایات پیش‌گفته، بر راهنمایی عقل استوار است، نه به منظور استحباب شرعی یا انتساب به شارع.

۳- انجام اعمالی چون قرائت قرآن که مطلوبیت اصل آن‌ها به اثبات رسیده است، در بردارنده ثواب خواهد بود. اما در مواجهه با اخبار ضعیف، سخن در این است که آیا میزان ثواب مندرج در این اخبار، واقعی است یا خیر؟ اخبار من بلغ و تقریر عقلانی برگزیده، تنها رهنمون به اصل مطلوبیت این اعمال است و توان داوری درباره میزان ثواب عائدی از عملی خاص چون قرائت سوره‌ای خاص را ندارد.

۴- عدم یادکرد سند این اخبار یا ذکر اسناد ضعیف، بر جعلی بودن این اخبار دلالت تامه ندارد.

۵- عمل به روایت پیش‌گفته، افزون بر جلب رضایت مولا، آزمون عملی در سلوک دینی مؤمنان پاک‌نهاد بوده و در رشد استقامت و شخصیت دینی ایشان نقش‌آفرین است.

کتاب شناسی

۱. قرآن حکیم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم، دار الفکر، ۱۳۹۳ ش.
۳. آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، قم، ذوی القربی، ۱۴۳۰ ق.
۴. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، بی تا.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد بن جعفر، کتاب الموضوعات من الاحادیث المرفوعات، ریاض، مکتبة اضواء السلف، ۱۴۱۸ ق.
۶. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، اقبال الاعمال، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۷. همو، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ترجمه شیخ عباس قمی، چاپ دوم، قم، دار الثقلین، ۱۳۸۹ ش.
۸. همو، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۳۰ ق.
۹. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، دار الحدیث، ۱۳۶۴ ش.
۱۱. ابن فهد حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی، عده الداعی و نجاح الساعی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. اردبیلی، احمد بن محمد، زیدة البیان فی احکام القرآن، تهران، مرتضویه، بی تا.
۱۳. ازهری، ابو منصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۴. اسلامی، محمدتقی، اخلاق اسلامی و کاربست قاعده تسامح در ادله سنن (پژوهشی انتقادی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. اقبال، ابراهیم، فرهنگ نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۸. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۲۰. بستانی، قاسم، زهرا چنانی، و سیما آلوغبیش، «اعتبارسنجی روایات فضایل قرآن نزد شیعه»، دو فصلنامه مطالعات فهم حدیث، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۲۱. بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۲. بیضانی، قاسم، مبانی نقد متن الحدیث، قم، مرکز المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، شعب الایمان، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. تقی الدین ابن الصلاح، ابو عمرو عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری، معرفة انواع علوم الحدیث (مقدمة ابن الصلاح)، تحقیق و شرح نورالدین عتر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۶ ق.

۲۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، *الكشف والبيان عن تفسير القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۲۶. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *دُرُج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، عمان، دار الفکر، ۱۴۳۰ ق.

۲۷. جریسی، محمد مکی نصر، *نهاية القول المفيد في علم تجويد القرآن المجيد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.

۲۸. جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، قم، هجرت، ۱۳۷۶ ش.

۲۹. حاج حسن، حسین، *نقد الحديث في علم الرواية و علم الدرايه*، زیر نظر عبدالمجید ترکی، بیروت، جامعه القديس يوسف، ۱۹۷۵ م.

۳۰. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۳۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة في اصول الاثمه (تكملة الوسائل)*، تصحیح محمد بن محمد الحسین القائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.

۳۲. همو، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.

۳۳. حسن، محمد علی، *المنار فی علوم القرآن مع مدخل فی اصول التفسیر و مصادره*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ ق.

۳۴. حسینی، هاشم معروف، *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*، بیروت، دار الکتب اللبنانی، ۱۹۷۳ م.

۳۵. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۳۶. حسینی بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه، ۱۳۷۴ ش.

۳۷. حسینی روحانی، سیدمحمد، *منتقى الاصول*، تقریر سیدعبدالصاحب حکیم، قم، چاپخانه امیر، ۱۴۱۳ ق.

۳۸. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، *زبدة الاصول*، قم، کلبه شروق، ۱۴۳۲ ق.

۳۹. حسینی شیرازی، سیدصادق، *بیان الاصول*، چاپ دوم، قم، دار الانصار، ۱۴۳۶ ق.

۴۰. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد بن محمد، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴۱. حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی، *العناوین الفقهیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۴۲. خامه‌گر، محمد، *تفسیر ساختاری قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ ش.

۴۳. خانی، زهره، *حقیقت مستحبات (تسامح در ادله سنن با رویکردی به نظر امام خمینی)*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.

۴۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.

۴۵. رحمان ستایش، محمدکاظم، و سیدحیدر طباطبایی حکیم، «تسامح فضایل نگاران در روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام»، *دوفصلنامه پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی*، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.

۴۶. رضوی، سیدعباس، «تسامح در ادله سنن از دیدگاه آقا حسین خوانساری»، *فصلنامه فقه*، سال هفتم، شماره‌های ۱۹-۲۰، بهار و تابستان ۱۳۷۸ ش.

۴۷. روحانی، عباسعلی، و زهره خانی، «قاعدۀ تسامح در روش‌شناسی تفکر نقدی امام خمینی»، *فصلنامه پژوهش‌نامه متین*، سال بیستم، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۷ ش.

۴۸. زحیلی، محمد مصطفی، *القواعد الفقهیه و تطبیقاتها فی المذاهب الاربعه*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۷ ق.

۴۹. زرکشی، بدرالدین ابوعبدالله محمد بن جمال‌الدین عبدالله بن بهادر، *النکت علی مقدمه ابن الصلاح*، ریاض، اضواء السلف، ۱۴۱۹ ق.
۵۰. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. سبحانی، جعفر، *الرسائل الاربع؛ قواعد اصولیة و فقهیة*، تقریر جمعی از فضلا، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۵ ق.
۵۲. همو، *المحصل فی علم الاصول*، تقریر سید محمود جلالی مازندرانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. همو، *رسائل و مقالات*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۲ ق.
۵۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق. (الف)
۵۵. همو، *الاشباه و النظائر فی النحو*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۵۶. همو، *التحیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق. (ب)
۵۷. همو، *اللاکلی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعه*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۵۸. همو، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، ریاض، مکتبه الرياض الحدیثه، بی تا.
۵۹. شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب الصوم*، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، بی تا.
۶۰. شمخی، مینا، قاسم بستانی، و زهرا چنانی، «اعتبارسنجی احادیث فضایل قرآن در کتاب المحاسن برقی با تکیه بر منابع حدیثی شیعه»، *دوفصلنامه احسن الحدیث*، سال پنجم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۶۱. شوکانی، محمد بن علی، *الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۶۲. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۶۳. صافی گلپایگانی، علی، *المحججه فی تقریرات الحججه؛ بحوث فی اصول الفقه*، تقریر مباحث سید محمد حجت کوه کمری تبریزی، قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیه السلام، بی تا.
۶۴. صدر، سید محمد باقر، *بحوث فی علم الاصول*، قم، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۶۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۰ ق.
۶۷. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶۸. طحطاوی حنفی، احمد بن محمد بن اسماعیل، *حاشیه الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الایضاح*، بولاق، المطبعة الكبرى الامیریه، ۱۳۱۸ ق.
۶۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، ذوی القربی، ۱۴۳۱ ق.
۷۰. عاملی، حسین بن عبدالصمد، *وصول الاخبار الی اصول الاخبار*، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
۷۱. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، *الدرايه (فی علم مصطلح الحدیث)*، نجف، مطبعة النعمان، بی تا.
۷۲. عاملی طوسی (مترجم)، شمس‌الدین محمد بن علی بن خاتون، *متن کامل اربعین یا جهل حدیث شیخ*

بهای، تهران، فراہانی، ۱۳۹۳ ش.

۷۳. عبداللطیف، عبدالرحمن بن صالح، القواعد والضوابط الفقہیة المتضمنة للتیسیر، مدینہ منورہ، الجامعۃ الاسلامیہ، ۱۴۲۳ ق.

۷۴. عراقی، آقاضیاء الدین، نہایۃ الافکار، تقریر محمدتقی بروجردی نجفی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۷۵. علامہ حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، منہی المطلب فی تحقیق المذہب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ ق.

۷۶. عمر، بشیر علی، منہج الامام احمد فی اعلال الاحادیث، مدینہ منورہ، وقف السلام، ۱۴۲۵ ق.

۷۷. عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدہاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعۃ العلمیہ، ۱۳۸۰ ق.

۷۸. غروی اصفہانی، محمدحسین، نہایۃ الدراریۃ فی شرح الکفایہ، قم، مؤسسۃ سیدالشہداء (ع)، ۱۳۷۴ ش.

۷۹. غروی نائینی، محمدحسین، اجود التقریرات، تقریر سیدابوالقاسم موسوی خوی، صیدا، مطبعۃ الفرقان، ۱۳۵۲ ق.

۸۰. قربان‌زادہ، محمد، حسن نقی‌زادہ، مرتضی ایروانی نجفی، و سیدکاظم طباطبایی، «تسامح در سند روایات طیبی»، دوفصلنامہ مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چہل و چہارم، شمارہ ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.

۸۱. قمرزادہ، محسن، و فاطمہ اسبقی، «مؤلفہ‌های ارزبایی روایات فضایل سورہ‌های قرآن»، دوفصلنامہ پژوهنامہ مطالعات میان‌رشتہ‌ای تفسیر و کلام کوثر، سال دوم، شمارہ ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.

۸۲. قمی، میرزا ابوالقاسم بن محمد، قوانین الاصول، چاپ دوم، تهران، المکتبۃ العلمیۃ الاسلامیہ، ۱۳۷۸ ق.

۸۳. کلانتری، علی اکبر، «تسامح در ادلہ سنن، قاعدہ‌ای ناکارآمد»، فصلنامہ علوم اسلامی، سال پنجم، شمارہ ۱۷، بہار ۱۳۸۹ ش.

۸۴. ہمو، «چگونگی مواجهہ فقہا با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار»، فصلنامہ فقہ و اصول، سال پنجم، شمارہ ۲ (پیاپی ۱۱۳)، تابستان ۱۳۹۷ ش.

۸۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.

۸۶. کمالی دزفولی، سیدعلی، قانون تفسیر، تهران، کتابخانہ صدر، ۱۳۵۴ ش.

۸۷. لاجم، ابراہیم، شرح اختصار علوم الحدیث، نرم‌افزار المکتبۃ الشاملہ، قسم الحدیث، بی‌تا.

۸۸. مامقانی، عبداللہ بن محمدحسن، مقباس الہدایۃ فی علم الدراریہ، تحقیق محمدرضا مامقانی، قم، مؤسسۃ آل‌البت (ع)، لایحیاء التراث، ۱۴۱۱ ق.

۸۹. متقی ہندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسۃ الرسالہ، ۱۴۰۱ ق.

۹۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعۃ لدرر اخبار الائمة الاطہار (ع)، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۹۱. ہمو، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق سیدہاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۴ ق.

۹۲. محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسۃ سیدالشہداء (ع)، ۱۳۶۳ ش.

۹۳. محمدرضایی، محمد، *الهیات فلسفی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۹۴. مرزبانی، ابوعبیدالله محمد بن عمران، *مناجات الهیات حضرت امیرالمؤمنین*، به کوشش علی اوجبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۹۵. معرفت، محمدهادی، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، التمهید، ۱۴۲۹ ق.
۹۶. همو، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.
۹۷. مقدسی حنبلی، ضیاءالدین ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد، *کتاب فضائل القرآن العظیم و ثواب من تعلمه و علمه و ما اعد الله ﷻ لتالیه فی الجنان*، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۱ ق.
۹۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الاصول*، تقریر احمد قدسی، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ ق.
۹۹. همو، *کتاب النکاح*، تحقیق و تصحیح محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۱۰۰. موسوی بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ، *القواعد الفقہیہ*، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۱۰۱. موسوی خمینی، سیدروح الله، *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایہ*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۲. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *دراسات فی علم الاصول*، تقریر سیدعلی هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۰۳. همو، *مصباح الاصول*، تقریر سیدمحمدسرور واعظ حسینی بهسودی، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۷ ق.
۱۰۴. همو، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ ش.
۱۰۵. میرداماد، سید شمس الدین محمدباقر بن محمد حسینی استرآبادی، *الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیہ*، قم، دار الخلافه، ۱۳۱۱ ق.
۱۰۶. میناگر، غلامرضا، *روش شناسی صدرالمتألهین؛ استنباط معارف عقلی از نصوص دینی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۱۰۷. نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی بن احمد بن عباس، *رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)*، چاپ ششم، قم، دار الحدیث، ۱۳۶۵ ش.
۱۰۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰۹. نصیری، علی، «چگونگی تعامل با روایات فضایل و خواص آیات و سوره»، *فصلنامه علوم حدیث*، سال بیست و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۷۹)، بهار ۱۳۹۵ ش.
۱۱۰. نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف، *التقریب و التیسیر لمعرفة سنن البشیر التذری فی اصول الحدیث*، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱۱. همو، *المجموع شرح المهدب (مع تکملة السبکی و المطیعی)*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۱۲. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، «بحثی پیرامون اخبار "من بلغ" (۱)»، *فصلنامه پژوهش های اصولی*، شماره های ۵-۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۲ ش.
۱۱۳. همدانی، مصطفی، «نقد تسری انگاره فقهی "تسامح در ادله سنن" به ارزیابی سند روایات اخلاقی»، *فصلنامه پژوهش نامه اخلاقی*، سال دهم، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۶ ش.